



واکنش ظریف به قطع نامه شورای حکام:

شما در موضع توصیه به ایران نیستید

گروه دیپلماتی: ایران در واپسین ساعات جمعه شب به قطع نامه شورای حکام واکنش نشان داد. محمدجواد ظریف در توییته در واکنش به وعده‌ی اروپایی‌ها در اجرای تعهداتشان در برجام و اقدام اخیرشان در به‌تصویب رساندن یک قطع نامه علیه...

صفحه ۴

سال هفدهم • شماره ۳۷۴۶ • موقتا ۱۲ صفحه • ۵۰۰۰ تومان



حسن روحانی اعلام کرد:

بازگشایی فعالیت اقتصادی منوط به رفتار عمومی است

گروه سیاست: رئیس جمهوری، روز گذشته در جلسه ستاد مقابله با کرونا گفت: «ما نباید با اقدامات خود به انتقال این ویروس کمک کنیم، بلکه باید به افراد مسن و کسانی که بیماری زمینه‌ای دارند کمک کنیم. باید به مسئله فاصله‌گذاری توجه کرده...»

صفحه ۲



یکشنبه ۱ تیر ۱۳۹۹ • ۲۹ شوال ۱۴۴۱ • ۲۱ ژوئن ۲۰۲۰

سرمقاله

امنیت در گرو معیشت

غلامرضا نظر بلند . تحلیلگر



در خبرها آمده بود که قشربانی از مردم به‌طور روزافزون به طلافروشی‌ها مراجعه می‌کنند تا طلاهای خانگی‌شان را بفروشند و پول آن را به مصرف هزینه‌های جاری زندگی برسانند. این خبر از چند جهت نگران‌کننده است؛ نخست آنکه ممکن است با این خوانش که مردم در وضعیت ناگوار اقتصادی کنونی درعین حال به‌قدری طلا دارند که مشکلات معیشتی آنها را حل می‌کند، از آن برداشت نادرست به عمل آید و موجب نتیجه‌گیری غلط شود. این شیبه برداشت وزیر شاه‌عباس صفوی است که خیال می‌کرد تشریف پینه‌دوزان به مکه از وضعیت مالی مساعد مردم حمایت می‌کند؛ برداشتی که شاه با این استدلال که مستطیع‌شدن پینه‌دوزان نشانه نداری مردم است - چون آنها اگر بضاعت خرید کفش نو می‌داشتند، به تعمیرکاران مراجعه نمی‌کردند تا کفش‌های کهنه‌شان را اصلاح کنند - نادرستی آن نشان داده شد. مراجعه مردم به طلافروشی‌ها در زمانه حاضر خاطره تاریخی پیش‌گفته را تداعی می‌کند و فقیرشدن حداقل قشرهایی از مردم را در مرئی و منظر قرار می‌دهد. دلیل دوم نگرانی آن است که قاعدتا مخارج مصرفی از قبیل خورد و خوراک و اجاره خانه را نباید از محل فروش دارایی‌های سرمایه‌ای نظیر طلائی خانگی تامین مالی کرد. کسانی که به این ترتیب چند گرم یا چند مثقال موجودی طلا و حلقه ازدواجشان را می‌فروشند، در واقع چوب حراج به پس‌انداز روز مبادای خود می‌زنند. یکی از آموزه‌های مدیریت مالی این درس را به ما می‌دهد که آخرین ریال باقی‌مانده در جیبمان را خرج نکنیم، زیرا معلوم نیست نیاز حیاتی‌تری برایمان پیش نیاید که مصرف آن ریال آخر را ضروری‌تر کند. کسی که موجودی طلائی خود را می‌فروشد، دیگر چه ذخیره‌ای برایش باقی می‌ماند که آن را پشتوانه روز مبادا قرار دهد و به این ترتیب، خود را از غم و استرس نداری به دور دارد؟ از جمعیت نداری‌های فردی، «نداری جمعی» به وجود می‌آید و این نوعی نداری است که ظرفیت به تبدیل به آسیب اجتماعی را دارد. جامعه‌ای که منابع مادی و ذخایر مردمش تحلیل می‌رود و ته می‌کشد، دچار استرس و ترس از آینده می‌شود و افسردگی به سرراش می‌آید. در جامعه افسرده امید و انگیزه رخت برمی‌بندد و افراد در شرایط حاد خود را از میان برمی‌دارند. مردم جهان در دوره رکود بزرگ (۱۹۳۳-۱۹۲۹) به چشم خود دیدند که فقر و بی‌کاری به خودکشی‌های دسته‌جمعی انجامید. در این بازه زمانی شمار تلفات ناشی از این اقدام به‌قدری افزایش یافت که به بزرگ‌ترین نگرانی تبدیل شد و اصل موضوع، رکود بزرگ، را به حاشیه برد؛ جابه‌جایی مالکیت دارایی ارزشمندی چون طلا از فروشندگانی که احاد مردم را تشکیل می‌دهند، به خریدارانی که صنف محدود و خاصی را رقم می‌زنند، موجب نگرانی دیگری است، زیرا این به معنای انباشت ثروت نزد خواص است که به ایجاد شکاف طبقاتی و تعمیق آن می‌انجامد. آنها که به‌درستی در میان امنیت ملی دارند، باید بدانند که این نوع آسیب اجتماعی چون وقایع ملی را به چالش می‌کشد و جامعه را به‌سوی افتراق سوق می‌دهد، می‌تواند منشأ نگرانی‌های امنیتی باشد. دلیل دیگر نگرانی مورد بحث این یادداشت را باید در خاستگاه طبقاتی مردمی جست‌وجو کرد که کم‌وبیش از اندوخته طلائی خانگی برخوردارند. این قشر از مردم نوعا به طبقه متوسط تعلق دارند. تضعیف توان مالی طبقه متوسط و محروم‌شدن آن از پس‌انداز روز مبادا، این طبقه را در دهک‌های پایین درآمدی قرار می‌دهد که به سایش و حتی ازکارافتادگی این ستون فقرات جامعه می‌انجامد.

ادامه در صفحه ۴

چندی پیش یک روزنامه‌نگار اصولگرا خبر احتمال خروج یکی از مدیران احمدی‌نژاد را داده بود

احمدی‌نژادی‌ها در پرونده طبری؟

صفحه ۲

وکیل قاضی منصوری:

موکلم حرف‌های بسیاری برای گفتن داشت

اسرار نهان یک قاضی

احتمال خودکشی قاضی متواری با تردید مواجه شده است

صفحه ۲



عکس: Reuters

یادداشت

آتش‌سوزی زاگرس و خطر نگاه مکانیکی به توسعه

نرم، کیفی، اخلاقی و اجتماعی توسعه است. وقتی مسائل اجتماعی صرفا از زاویه دید مدیران تکنوکرات یا بوروکرات طرح و درباره آنها تصمیم‌گیری می‌شود، توسعه وجهی سخت، مکانیکی و بدون انعطاف و متصلب می‌یابد و به ابعاد انسانی و اجتماعی تصمیم و اقدام توجهی ندارد. رویکرد تکنوکراتیک و فنی، خصیصه‌ای آمرانه، بالا‌به‌پایین و دیکته‌شده دارد و راه‌حل مشکلات مردم را در وجه ظاهری و مادی توسعه تعریف می‌کند. نگاهش به توسعه صرفا گسترش زیرساخت‌ها و تولیدات صنعتی است و رفاه عمومی را بر اساس کمیت‌هایی مثل تعداد تعریف می‌کند و فاقد راه‌حلی برای افزایش کیفیت و آرامش در زندگی شهروندان است و در اندیشه توسعه‌گرایانه خود جایی برای انسان به‌عنوان مرکز هستی در روابط ملموس زندگی و هدف نهایی و غایت آن قرار نمی‌دهد. بر اساس همین رویکرد تک‌بعدی انعطاف‌ناپذیر و پیش‌بینی‌ناپذیر از قبل است که سیستم اداری لخت و کند به وجود می‌آید و سریع‌ترین واکنشش به بحران زیست‌محیطی و فاجعه آتش‌سوزی اخیر در مناطق گچساران و ددبشت به نحوی است که بعد از گذشت یک هفته و پس از آنکه دیگر جز سرزمینی سوخته چیزی باقی نماند، به فکر تأمین (نه تخصیص) ۱۵ میلیارد تومان هزینه مهار آتش و پرواز بالگردهای آب‌پاش و کمک‌رسان می‌افتد. اما در سوی دیگر که شوربوختانه تاکنون به دلیل غلبه رویکرد «دولت‌محور» به محاق رفته و اجازه عرض‌اندام نیافته است، پارادایم و دیدمان توسعه‌ای «جامعه‌محور» قرار دارد که «انسان» در محور آن

ادامه در صفحه ۲

هیچ اقدام و حرکت توسعه‌ای وجود نخواهد داشت که بدون هرگونه ضرر، زیان یا آسیب و یکسره منفعت باشد؛ اما انتظار می‌رود برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای به نحوی انجام شوند که وضعیتی پهنه یابند و با حداکثر نفع و حداقل ضرر طراحی و اجرا شوند. بیش از ۷۰ سال است که سازمان‌های برنامه‌ریزی و توسعه‌ای در کشور تأسیس شده و تاکنون ۱۲ برنامه توسعه‌ای اجرا شده یا در حال اجراست. اما این برنامه‌ها نه‌تنها به نتیجه مطلوب دست نیافته‌اند، بلکه مسائل و مشکلات جدیدی بر مشکلات قبلی افزوده‌اند. در بیان چرایی عدم دستیابی یا ناموفق‌بودن اهداف برنامه‌ها، برخی بی‌انگیزگی نظام اداری و کم‌کاری کارکنان دولتی را اصلی‌ترین موانع دستیابی به آنها می‌دانند؛ اما آیا واقعا چنین است و برنامه‌ها واقعی و مبتنی بر خواست عمومی طراحی می‌شود و این نظام اداری است که توان و تمایل لازم را برای اجرای برنامه‌ها ندارد یا ریشه مشکل را باید در جای دیگری جست‌وجو کرد؟ به بیانی آبی می‌توان ناکامی و برائت این اقدام فقط در یک مورد و به فاصله سه کیلومتر لوله‌گذاری، بیش از ۲۵ هزار اصله از درختان کهن‌سال بلوط منطقه دنا به نابودی کشیده نمی‌شد و به نظر کارشناسان و اعتراض مردم محلی توجه می‌شد و این چنین بی‌باکانه به جان طبیعت بی‌زیان نمی‌افتادند. امروز آن منطقه از لحاظ اکولوژیک و تنوع زیستی گونه‌ای دیگر می‌بود. تخریب محیط زیست، از دست‌رفتن گونه‌های نادر گیاهی و جانوری، خشک، کم یا آلوده‌شدن آب رودخانه‌ها، تالاب‌ها، دریاچه‌ها و دریاها، افزایش زیرگردها، کوچ اجباری مردم از مناطق گرم‌شدن زمین و افزایش امراض و مشکلات روحی و روانی، ناشی از کم‌توجهی هاست. هر چند

حمید شجاعی
کارشناس مسائل اداری و مدرس دانشگاه

جنوب زاگرس چند روزی در لهیب آتش برخاسته از خشم طبیعت و انتقام علیه بی‌مالاتی انسان، گرفتار آمد و هکتارها از جنگل، مرتع و گونه‌های نادر گیاهی و جانوری آن منطقه، مظلومانه و بی‌رحمانه دود شد و به هوا فرستاده شد و میلیاردها تومان خسارت به طبیعت و محیط زیست وارد شده است. دریاچه ارومیه بر اثر سدسازی و مهار بی‌رویه آب، در خطر است؛ دولت هم پس از بروز این فاجعه زیست‌محیطی، برای حل مشکل، چاره را در بازپس‌دادن حقابه دریاچه می‌بیند تا از خروش و طغیان آن جلوگیری کند. اگر آن روزی که قرار بود خط لوله گاز عسلویه به مناطق شمال و شمال غربی کشور کشیده شود بر اثر این اقدام فقط در یک مورد و به فاصله سه کیلومتر لوله‌گذاری، بیش از ۲۵ هزار اصله از درختان کهن‌سال بلوط منطقه دنا به نابودی کشیده نمی‌شد و به نظر کارشناسان و اعتراض مردم محلی توجه می‌شد و این چنین بی‌باکانه به جان طبیعت بی‌زیان نمی‌افتادند. امروز آن منطقه از لحاظ اکولوژیک و تنوع زیستی گونه‌ای دیگر می‌بود. تخریب محیط زیست، از دست‌رفتن گونه‌های نادر گیاهی و جانوری، خشک، کم یا آلوده‌شدن آب رودخانه‌ها، تالاب‌ها، دریاچه‌ها و دریاها، افزایش زیرگردها، کوچ اجباری مردم از مناطق گرم‌شدن زمین و افزایش امراض و مشکلات روحی و روانی، ناشی از کم‌توجهی هاست. هر چند

بدون هزینه ار سال



شرق

روزنامه

تحويل روزنامه در منزل

یا محل کار شما

۸۸۹۰۳۵۴۸

هوالباقی

رحلت عالم مجاهد **مرحوم آیت‌الله آقای آموزگار**، قاضی سابق دادگستری را به بیوت محترم آموزگار و مرتضوی تسلیت عرض می‌کنیم. عافیت دارین برای بازماندگان و آرامش ابدی برای آن عزیز سفرکرده از حضرت حق خواهانیم.

احمد حیدری، محمد صالحی

ارتباط با روزنامه شرق

SHARGHLINE

@SHARGHDAILY.IR

تیترا

تخریب طبقه غیرمجاز ملک نهاد ریاست جمهوری

صفحه ۹

لباس شخصی‌های آمریکایی چه کسانی هستند

صفحه ۸

روایت جلسه عزل بنی‌صدر

صفحه ۳

دفاع برجامی تروئیکا بعد از حمله در آژانس

صفحه ۴



«آپ تودیت» با کفاشیان!

صفحه ۱۱

حرف اول

راه بی‌بازگشت خام‌فروشی حسین حقگو . کارشناس اقتصادی



در اواخر دولت احمدی‌نژاد به‌ناگاه یک حوزه اقتصادی بسیار عزیز شد و بارها از سوی رئیسین آن دولت از درجه بالای اهمیت، مزیت‌ها، جایگاه و... این حوزه سخن سر داده شد؛ حوزه معدن.

اگر از ظرفیت‌های غیرفعال کشور به‌ویژه برخی از معادن، استفاده شود، دیگر نیازی به فروش نفت نداریم و می‌توانیم آن را به کالایی بهتر تبدیل کنیم و با سود بیشتر به فروش برسانیم» (۱۹/۱۰/۹۱). هرچا که کویر است سرشار از معادن مختلف بوده که هنوز حتی از مقدار اندکی از آن هم بهره‌برداری نشده است و... ظرفیت معادن ما ۱۰ برابر منابعی است که تاکنون شناسایی شده است» (۲۸/ ۱۱/ ۱۳۹۱). «یکی از ظرفیت‌ها و استفاده‌های ایران معادن متنوع، گسترده و غنی کشورمان است و...» (۱۲/۸/ ۱۳۹۱). «من معتقدم هنوز ما از یک در هزار ظرفیت معادن کشور استفاده نکرده‌ایم» (۱۵/ ۹/ ۹۱) و... این موارد فقط بخش کوچکی از آن تعریف و تمجیدهاست. در همان روزها و با اشاره به اینکه «معادن کشور قابل تقسیم به ۲۵۰ هزار بلوک معدنی است، درحالی‌که اکنون کمتر از ۱۵ هزار بلوک آن استفاده می‌شود». از طرحی سخن گفت که طبق آن «با اصلاح برخی موارد قانونی و برنامه‌ها در دولت و مجلس بسیاری از این بلوک‌های معدنی برای اکتشاف در اختیار بخش مردمی قرار می‌گیرد که در این صورت سرمایه‌ها به‌جای اینکه به سمت بازارهای کاذب برود به این سو خواهند آمد» (۲۷/ ۱۰/ ۱۳۹۱). چراکه به گفته او «بعد از مطالعات طولانی به این نتیجه رسیدیم که بهره‌برداری از معادن در مسیر درستی حرکت نمی‌کند و بخش عمده‌ای از معادن در اختیار عده‌ای معدودی است» و باید از طریق «ملی‌کردن» و «برداشتن سربوش از معادن کشور» و... این منابع را در اختیار عموم مردم قرار داد. البته نحوه پی‌بردن رئیس دولت دهم به اهمیت معادن کشور، قدری عجیب و غریب اما در الگوهای رفتاری ایشان امری بی‌سابقه نبود: «ما همین الان در ایران فردی داریم که میاد سطح زمین رو نگاه می‌کنه، علف‌ها رو نگاه می‌کنه، تمام معادن اعماق زمین رو به شما معرفی می‌کنه؛ تضمینی، همین الان! یک دانش است دیگر، نه گمانه می‌خواهد بزند، بله، بعدا شما می‌روید گمانه می‌زنید حد و حدودش را به دست می‌آورید اما این به شما می‌گوید اینجا آهن است، اینجا منگنز است، اینجا طلاست. اینجا سرب، اینجا رویه، همه را معرفی می‌کنه» (۱۴/ ۱/ ۱۳۹۱).

ادامه در صفحه ۲